

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۱/۱۳

احمد فواد ارسلان

این بار فرق می‌کند:

معترضان ایرانی سرانجام از حمایت قدرت برخوردار شده‌اند



برای دهه‌ها، معترضان ایرانی با یک حقیقت تلخ به پا خاسته‌اند: هر قدر شجاع، گسترده و بحق باشد، در نهایت تنها خواهند ماند. رهبران غربی بیانیه صادر می‌کردند، دیپلمات‌ها «ابراز نگرانی» می‌نمودند، و جمهوری اسلامی — باز هم — باقی می‌ماند.

اما این بار، این نمونه شکسته شده است.

سرک‌های ایران بار دیگر از فریاد اعتراض زنده است؛ اعتراضی که از درهم پاشیدن اقتصادی، خفگی سیاسی، و رژیم سرچشمه می‌گیرد که دیگر حتی توان تظاهر به اداره کشور را ندارد. آنچه این خیزش را از اعتراض‌های گذشته متمایز می‌سازد، نه فقط گستره و شدت آن، بلکه پیام روشن و غیرقابل انکار و اشنگتن است: معترضان این بار از حمایت صریح و آشکار رئیس‌جمهور ایالات متحده برخوردارند؛ رهبری که ثابت کرده آماده اقدام است. دونالد ترامپ به زبان کلی و مبهم سخن نمی‌گوید. او از «خوشتنداری از همه طرف‌ها» حرف نمی‌زند. او آشکارا از ایرانیان خواسته است که به اعتراض ادامه دهند و پیامی داده که در داخل ایران پیغام نیرومندی داشته است:

«کمک در راه است.»

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنی د لیکنیزي ټی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

این سخنان اهمیت دارد— زیرا از سوی رهبری مطرح می‌شود که کارنامه‌اش نشان می‌دهد به گفته‌هایش عمل می‌کند. سال گذشته، ترامپ نظارت بر یک جنگ مستقیم دوازده‌روزه با ایران را بر عهده داشت؛ جنگی که توهم مصونیت رژیم را در هم شکست. دارایی‌های نظامی ایران هدف قرار گرفت، تشکیلات قومانده و سوق و اداره مختل شد، و برای نخستین بار در دهه‌ها، تهران با رویارویی آشکار و پایدار روبه‌رو شد، نه با تشنج کنترل‌شده. رژیم باقی ماند— اما برهنه و آسیب‌پذیر شد.

و چندی قبل، ترامپ نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، را ساقط کرد و به یکی از ریشه‌دارترین رژیم‌های استبدادی جهان پایان داد. آن عملیات پیامی وسیع‌تر از امریکای لاتین داشت: دیکتاتورهای دیرپا دیگر دست‌نیافتنی نیستند.

تهران این پیام را به‌خوبی درک کرده است.

به همین دلیل است که مقام‌های ایرانی اکنون از «ناآرامی‌های بزرگ‌تر» اخطار می‌دهند و آشکارا اذعان می‌کنند که نارضایتی‌ها به نقطه خطرناکی رسیده است. چنین اعتراف‌هایی از درون نظام نادر و افشاگرانه است. رژیم می‌داند که از گذشته ضعیف‌تر شده و می‌داند که فضای بیرونی تغییر کرده است.

برخلاف خیزش‌های پیشین، معترضان امروز ایران تنها با نیروهای ضد شورش و دستگاه‌های اطلاعاتی روبه‌رو نیستند؛ آنان زیر سایه رئیس‌جمهوری اعتراض می‌کنند که آشکارا خود را در کنار آنان قرار داده است. همین همسویی به‌تنهایی موازنه را تغییر می‌دهد. معترضان را جسورتر می‌سازد، اعتماد مقامات حاکم را می‌شکند، و نیروهای امنیتی را وادار می‌کند بپرسند تا کجا می‌توانند پیش بروند پیش از آن‌که عواقب فرا برسد.

ترامپ روشن ساخته است که حمایت به سخن محدود نمی‌شود. فشار اقتصادی، انزوای دیپلماتیک، کمک‌های استخباراتی، و—در صورت لزوم—اقدام نظامی، همگی به‌صورت علنی مطرح شده‌اند. همین صراحت بی‌سابقه است. دولت‌های پیشین پنهانی، محتاطانه و مبهم عمل می‌کردند. ترامپ مسیر معکوس را برگزیده است: نمایش قدرت در برابر دید هم معترضان و هم رژیم.

برای ایرانیانی که جان خود را در سرک‌ها به خطر می‌اندازند، این موضوع از هر قطع‌نامه سازمان ملل یا مقاله سیاست‌گذاری مهم‌تر است. انقلاب‌ها زمانی پیروز می‌شوند که نه تنها مردم برخیزند، بلکه رژیم‌ها باور کنند دیگر نمی‌توانند بدون هزینه بیرونی آنان را سرکوب کنند.

این باور اکنون در درون ایران در حال گسترش است.

جمهوری اسلامی دهه‌ها با این شرط زنده مانده که جهان در نهایت روی برگرداند. این بار، آن شرط دیگر معتبر نیست. رئیس‌جمهور ایالات متحده که پیش‌تر از خطوط قرمز عبور کرده، دیکتاتورها را سرنگون ساخته و مستقیماً با ایران مقابله کرده است، اکنون به معترضان می‌گوید ادامه دهید.

تاریخ نشان می‌دهد هنگامی که خیزش‌های مردمی با حمایت قاطع بیرونی هم‌زمان شوند، رژیم‌ها بسیار سریع‌تر از آنچه تصور می‌شود فرو می‌ریزند. ایران ممکن است به‌زودی دریابد که دوران اعتراض‌های تنها به پایان رسیده است— این بار، سرک‌ها متحدانی قدرتمند دارند که نظاره‌گر، آماده، و در انتظارند.